

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۸۹،
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۳-۸۲

‘ × × × × × ×

دکتر سیدحسین سیدی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hosein_seyyedi@um.ac.ir

دکتر غلامرضا رئیسیان

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: raeisian42@um.ac.ir

چکیده

قرآن پژوهان و مفسران مسلمان همگی در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأویل یا تفسیر کتاب خداوند باید از واژگان آغاز گردد. واژه نه تنها ابزار تحلیل گفتمان بلکه شکل دهنده نظام اندیشگانی ما نیز است. پس واژه تنها ابزاری برای بیان عقاید ما نیست بلکه به آن‌ها نیز شکل می‌دهد. واژه در قرآن کریم از چنان استواری برخوردار است که به تنهایی می‌تواند ابزار تحلیل گفتمان قرار گیرد. این نوشتار با بررسی واژگان کلیدی چون «الله»، «ایمان» و بررسی گزینش نام در سوره‌های قرآن مثل سوره «دخان» بر آن است که نشان دهد تنها از طریق این واژگان می‌توان متن قرآنی یا متن سوره را تحلیل نمود.

کلید واژه‌ها: قرآن، واژه، گفتمان.

در آمد

از تمام تعاریف و شرح و بسطهایی که از گفتمان صورت گرفته است و دیدگاههایی که گفتمان را در حوزه سیاست، قدرت، جامعه شناسی، گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی و ادبیات به کار برده‌اند. آنچه در همه این‌ها مشترک است اینکه گفتمان چه در صورت شفاهی و چه کتبی (گفتار و متن) بر واحدهای استوار است و بنیاد آن یعنی گفتار و متن می‌تواند جمله باشد. چنان‌که «امیل بنویست» زبان‌شناس معروف گفتمان را در مقابل «نظام زبان» قرار می‌دهد و می‌گوید: «جمله، این مخلوق تعریف نشده دارای تنوعات بی‌پایان، همان گفتار انسان است که در حین عمل حیات می‌یابد» (میلز، ۱۱). به همین روی تحلیل گفتمان در چارچوب زبان‌شناسی عمومی و کاربردی آن است که چگونه جملات در زبان گفتاری و نوشتاری واحدهای معنادار گسترهای نظری بندها، مقالات، مصاحبه‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین تحلیل گفتمانی در نهایت به موارد زیر مربوط می‌گردد:

- ۱- گزینش حروف تعریف، ضمایر و زمان‌ها چگونه بر ساختار گفتمان تأثیر می‌گذارد.
- ۲- رابطه بین پاره گفته‌ها در یک گفتمان.
- ۳- حرکت‌های ایجاد شده از سوی گوینده برای معرفی و ارائه عنوانی جدید و تغییر عنوان (نوذری، ۱۹).

این از یک سو و از سوی دیگر می‌دانیم که ذات زبان پدیدارگری است. زبان «جهان» را در تمامی کلیت و جزئیش برای ما گزارش می‌کند. زبان پدیدار می‌کند که چیزها چیستند و چگونه‌اند و نسبت‌ها و جایگاهشان چیست. علم، عقل، اخلاق، فرهنگ، هنر، جامعه همه زاده زبانند و زبان است که نه تنها آنچه را به حس ظاهر در می‌باییم می‌نامد و در دایره هستی می‌نهد و «وجود» و «ماهیت» آن‌ها را پدیدار می‌کند؛ بلکه آنچه را که بر حس ظاهر پدیدار شدنی نیست، پدیدار می‌کند» (آشوری، ۱۱-۱۳). به همین روی زبان‌شناسان انتقادی برآناند تا تحلیلی از متن پدید آورند و نشان دهند که «از دل گرینه‌های زبان‌شناختی در مقیاس کوچک، پیام‌های ویژه‌ای برای کل متن پدید می‌آید». (میلز، ۱۸۷). در این رویکرد گزینش واژگان، فعل معلوم، فعل مجھول و... هر یک می‌توانند کلیدهایی برای فهم و تحلیل گفتمان باشند. خلاصه آنکه تمام رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان به زبان نگاه مشابهی دارند. به عبارت دیگر «نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پساختارگرا است، یعنی اینکه دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است.» (بورگنسن و فیلیپس، ۲۹).

قرآن کریم را می‌توان هم به مثابه گفتمان و هم متن بررسی کرد. در تحلیل گفتمانی می‌توان به پاره گفتارها، ترکیب‌ها و واژگان در متن پرداخت. البته این پاره گفتارها، ترکیب‌ها و واژگان را باید در آن شبکه معنایی پیچیده و منسجم و سامان یافته متن قرآنی جست و جو کرد. لذا قبل از پرداختن به اصل بحث باید یادآور شد که این نوشتار با توجه به مسئله تحلیل گفتمان^۱ به جایگاه واژه در تحلیل گفتمان پرداخته است.

پیشینه پژوهش

در سنت تفسیری مسلمانان، مفسران همگی بر این اصل اتفاق نظر دارند که هرگونه تأویل یا تفسیر اساساً باید از واژه آغاز گردد. مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان از همان آغاز توجه به معنا در قرآن، عنايت ویژه‌ای به واژه و نقش تعیین کننده آن در افاده معنا در بافت کلی متن قرآن نموده‌اند. از جمله می‌توان به آثاری چون «غريب القرآن»، «معانى القرآن»، «مجاز القرآن» و «الوجوه والنظائر» اشاره کرد. در دوران جدید و در حوزه بررسی زبان شناختی می‌توان به تلاش قرآن‌پژوهان زیر اشاره کرد که تکیه اصلی آن‌ها در یافتن معنا در متن قرآن بر واژه استوار بوده است. از جمله قرآن پژوه رژپنی «توضیه‌یکو ایزوتسو» در دو اثر ارزشمند «خدا و انسان در قرآن» و «ساختمان معنایی مفاهیم دینی - اخلاقی در قرآن»؛ دیگر محمد ارکون در کتاب «القرآن: من التفسير الموروث الى الخطاب الديني» که به بررسی زبان شناختی دو سوره فاتحه و کهف پرداخته است و یا محمد شحرور در کتاب «الكتاب و القرآن: قراءة معاصرة»؛ همچنین محمد مفتح در کتاب «دينامية النص، تنظير و انجاز».

چه در گذشته و چه در دوران جدید پژوهش‌های قرآنی عموماً به بررسی واژه و تحلیل آن تکیه کرده‌اند. علت این گرایش را می‌توان در این نکته یافت که قرآن کریم، منظومه فکری و اندیشه‌گانی است که دربردارنده مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و... است و این منظومه فکری بر مجموعه مفاهیمی مبتنی است که این مفاهیم به نوبه خود بر اصطلاحاتی تکیه دارد و این اصطلاحات غالباً به صورت واژه هستند. از طرفی تغییر در معنا و مفهوم این واژگان موجب تغییر در معنای آن منظومه فکری نیز می‌گردد. در استراتژی‌های خوانش متن از دو استراتژی اساسی سخن می‌رود: ۱- استراتژی افزایشی ۲- استراتژی کاهش. در استراتژی نخست حرکت از جزئی به کلی یا از خاص به عام است یعنی از حرف به سوی کلمه و واژه

¹. Discourse analysis

* * * * *

تا جمله و از جمله به متن. اما در حالت دوم از عام آغاز و به سوی خاص و از کلی به سوی جزئی پایین می‌آید (مفتاح، *المفاهیم معالم*، ۲۳۳). آنچه که این نوشتار بر آن است، استراتژی نوع نخست است. بدین معنا که در این رویکرد واژه به مثابه ابزار تحلیل گفتمان بررسی می‌شود. البته نگارنده از این نکته غافل نیست که آنچه دلالت واژه را تعیین می‌نماید، بافت (جزئی و کلی) است. اما واژگان در قرآن کریم از موقعیتی برخوردارند که خود می‌توانند ابزار تحلیل گفتمان واقع شوند.

واژه ابزار تحلیل گفتمان

در بررسی فقه اللغی متون که به قصد مقایسه واژگان قاموس و تغیر و تحولات واژگان در خانواده زبانی بررسی می‌شوند^۱ هدف باز سازی تاریخچه زبان‌ها است و از طریق این تاریخچه، ارتباط زبانی آن‌ها تعیین می‌شود^۲ (پالمر، ۳۲). در این روش که فقه اللغة طبیقی^۳ نام دارد و تغییرات تاریخی معنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه در این حوزه مهم است اینکه واژه دارای معناست و به واسطه قانون در زمانی^۴ دچار تغییر می‌شود. سخن در باب معناداری واژه میان زبان‌شناسان، معناداری زبان بسیار است. به عبارت دیگر تعین معنا از مباحث عمده آن‌ها بوده است. در این میان می‌توان از «فرکه» فیلسوف زبان یاد کرد که دو عامل را در تعیین معنا دخیل می‌دانست. «از نظر وی معنای تک تک واژه‌های یک جمله (معنا شناسی واژگانی) و ساختار دستوری کلمات عامل ایجاد معنا می‌باشد» (نصری، ۴۳). در ضمن در حوزه بررسی فقه اللغه‌ای واژگان قرآن همچون دیگر متون نباید از مستنه معنای اصلی^۵ و معنای ضمنی^۶ غفلت نمود (به این مسئله خواهیم پرداخت).

واژه نه تنها ابزار تحلیل گفتمان، بلکه شکل دهنده نظام اندیشه‌گانی ما نیز است. زبان‌شناسان برآن‌اند که جهان‌بینی ما تحت تأثیر زبان ماست و «زبان تنها وسیله ای برای بیان عقاید نیست بلکه «شكل دهنده عقاید» است؛ بدین ترتیب ما جهان را آن چنان درک می‌کنیم که زبان برای ما ترسیم می‌کند» (پالمر، ۱۰۰). زبان، مدخلی است برای جهان بینی و جهان-نگری آدمی. چنان که «ویگوتسکی» می‌گفت: «تفکر بشر نه فقط در قالب زبان، بلکه از طریق

^۱. comparative philology

^۲. synchronic

^۳. basic

^۴. connotation

زبان صورت می‌پذیرد و اصلاً تفکر، خود، نجوای درون است. (ویگوتسکی، ۱۹۰) «واژه» در قرآن کریم تنها یک دال نیست؛ بلکه خود ابزاری برای تحلیل گفتمان قرآن و شکل دهنده جهان بینی آن است. اهمیت واژه در قرآن و گفتمان قرآن مهم‌ترین جایگاه را دارد. این مسئله نه تنها در گزینش بی‌بدیل آن مطرح است بلکه در تولید معنایی که آن معنا در کلیت گفتمان قرآن نقش مهم ایفا می‌نماید نیز مهم است. به همین جهت بوده است که قرآن پژوهان به بررسی واژگان در قرآن برای دستیابی به معنا عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. قرآن پژوهان و مفسران مسلمان در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأویل یا تفسیر کتاب خداوند باید از واژگان آغاز گردد. می‌گفتند: «آنچه در آغاز بر مفسر لازم است آن را در نظر داشته باشد، واژه شناسی است؛ چون کسب معانی واژگان قرآن برای آن کس که در پی معنای آن است از نخستین گنجینه‌های معناست» (زرکشی، ۳۱۲/۲). از معاصران هم «امین الخولی» در رویکرد بیانی که به تفسیر داشته است، بررسی واژگان را از مسائل مهم و جدی آن به حساب می‌آورد و می‌گوید: «بررسی و پژوهش در قرآن، از بررسی واژگان آن آغاز می‌گردد» (۲۳۷).

چنان که گفته شد، واژه دارای دو معنای اصلی و ضمنی است. اما اگر بخواهیم در بررسی معنا در گفتمان قرآن به واژه تکیه نماییم، باید به معنای ضمنی یا کاربردی واژه، در کلیت گفتمان قرآن توجه نماییم. به عبارت دیگر پس از بررسی ساخت قاموسی واژه باید به حوزه کاربردی آن در قرآن دقت نماییم و با یافتن حوزه‌های معنایی آن در قرآن به تحلیل گفتمان قرآنی پردازیم. منظور از معنای اصلی همان «قدر مشترک معناست که به فهم تقریبی منجر می‌شود و یا همان قدر مشترکی از معنا که در فرهنگ لغت یافت می‌شود» (انیس، ۱۰۶).

اما واژه تنها این معنا را ندارد بلکه در نظام معنایی و دستگاه معنایی معنای دیگری می‌یابد که به آن معنای ضمنی یا نسبی یا معنای کاربردی گویند. معنای ضمنی «همان سایه‌های معناست که بسته به تجربه و حالات افراد و ویژگی‌های روانی و اخلاقی آن‌ها به وجود می‌آید» (همان). البته این دو معنا کاملاً از هم جدا نیستند، بلکه تلازمی بین آن‌ها برقرار است. به عبارت دیگر روابط و نسبت‌ها و پیوندهایی که میان معنای نخست یعنی معنای اصلی و معنای ضمنی وجود دارد، موجب می‌شود تا در ساخت معنای نخست تأثیر بگذارند و حتی آن را تغییر دهند. «پس معنای اصلی کلمه چیزی ذاتی و درونی خود کلمه است که با آن کلمه به هر جا برود انتقال پیدا می‌کند و معنای نسبی چیزی است که دلالت ضمنی دارد و در اثر به وجود آمدن وضع خاصی برای آن کلمه در زمینه‌ای خاص، به معنای اصلی افزوده می‌شود» (ایزوتسو،

خدا و انسان در قرآن، ۱۵).

آخرین نکته درباره اهمیت واژه در تعیین و تبیین معنا این است که در فرایند گفتار برخی عناصر زبانی به کار می‌رود که آن‌ها را مؤلفه‌های گفتمان می‌گویند. در این شیوه هم به تحلیل ادوات از جمله ادات تعریف، تنکیر و ضمایر و هم نظام فعلی، نظام اسمی، ساختهای نحوی و بالاخره ریتم و نظم در کلام توجه می‌شود. منظور از مؤلفه‌های گفتمان همان «حروف، واژگان، فعل‌ها، اسم‌ها و ساختهای صرفی و نحوی است. تمام این‌ها در شکل‌گیری گفتمان دخالت دارند. تمام این‌ها در قرآن به شیوه‌ای خاص به کار گرفته شده است که به قصد دستیابی به بهترین ساخت متن و ارسال معنا به خواننده یا شنونده و تأثیر گذاری بر اوست» (ارکون، ۱۲۵).

تحلیل نمونه‌ها

اینک برای اثبات ادعای فوق مبنی بر اینکه واژه ابزار تحلیل گفتمان است نمونه‌هایی در قرآن را تحلیل می‌کنیم که صرف نظر از تأثیر بافت و معانی ثانویه یا معانی مجازی و کنایی، خود ابزاری برای تحلیل گفتمان است. آنچه که در سنت تفسیری و قرآن پژوهی از آن به وجود و نظایر یاد می‌شود، دانشی است که بر واژگان تکیه دارد و می‌کوشد ترا روابط بین گونه‌های مختلف این واژگان را کشف نماید. یا آنچه که تحت عنوان «غريب القرآن» طرح می‌شده است، کشف رابطه بین واژگان پراکنده قرآن بوده است. این پژوهش‌ها مابعدها تحول می‌یابد و نزد قرآن‌پژوهان «اصطلاح قرآنی» (حللی) و «کلمات کلیدی» (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن) نام می‌گیرد. این واژگان کلیدی با کلیت متن ارتباط شبکه‌ای دارند که با کشف معنای این واژگان می‌توان به جهان بینی قرآن پی برد. همان‌چیزی که در معناشناسی به آن شبکه معنایی گفته می‌شود. (همان). در این روش، گفتمان قرآن همان مجموعه گفتمان واژگان است و برای تحلیل گفتمان می‌توان دو الگو در نظر گرفت که هر دو بر شکل‌گیری گفتمان‌های جزئی واژگان مبتنی است: ۱- گفتمان واژه که در این الگو، واژگان، مرکز گفتمان قرار می‌گیرند و از طریق کشف روابط مفهومی با کلیت متن قرآن می‌توان به آن رسید. در این الگو باید به دو نکته توجه داشت: «نخست اینکه واژه دلالت تجربیدی داشته باشد؛ دوم اینکه در متن قرآن بارها به کار رفته باشد» (الجاج، ۱۹۷). ۲- الگوی دوم، گفتمان حوزه معنایی است. این الگو توسط ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» به کار گرفته شده است. ایزوتسو به

واژه «الله» در گفتمان قرآن اشاره می‌کند. واژگانی در قرآن وجود دارند که نقش واقعاً قطعی در ساختن جهان بینی تصویری قرآن دارند که به نام کلمات یا اصطلاحات کلیدی قرآن می‌نامیم» (۲۲). از جمله این واژگان «الله، اسلام، ایمان، کافر، نبی، رسول...» است. از نظر او کلمه «الله» عالی‌ترین کلمه کانونی در واژگان قرآنی است که بر سراسر قلمرو آن فرمانروایی می‌کند و این چیزی جز سیمای معنا شناختی حقیقتی نیست که معمولاً با گفتن اینکه جهان قرآن اصولاً خدا مرکزی است» (همان، ۳۲). از نظر ایزوتسو روابط بین واژگان قرآنی در چارچوب نظام کلی مفهومی قرآن موجب می‌شود تا نگرش کلی قرآن کشف شود. از جمله واژگانی که او در این نظام کلی مفهومی در قرآن برای نمونه ذکر می‌کند واژه «ایمان» و «کفر» است که ایمان با واژگانی چون «اسلام، شکر، تصدیق، الله، تکذیب، عصیان، کفر» مرتبط است و یا واژه کفر با «الله، فسق، ضلال، ظلم، استکبار، شرک، عصیان و تکذیب» ارتباط دارد.

عنوان سوره مدخلی بر تحلیل گفتمان

عنوان سوره‌های قرآن عموماً از یک واژه ساخته شده‌اند – جز سوره آل عمران که در دو کلمه ترکیب شده است و یا سوره «ق» که یک حرف است – و این عنوانین از گذشته مورد عنایت قرآن پژوهان قرار گرفته بود. از گذشتگان می‌توان به برهان الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر در کتاب «نظم الدرر فی تناسب الآی و السور» و بدر الدین زرکش در کتاب «البرهان» اشاره کرد. این مطلب در نقد جدید نیز مطرح است که با نام «عنوان» یا «آستانه متن» از آن بحث می‌شود. «ژرار ژنت» (۱۹۳۰) ناقد ساختارگرا در کتاب «الواح باز نوشتنی» و رساله «در آمدی به فزون متن» به مناسبات و عواملی اشاره می‌کند که در پذیرش و دریافت معنای متون نقش دارند. وی این عوامل و مناسبات را مناسبات «تعالی دهنده متن» می‌نامد. یعنی این مناسبات دلالت معنایی متن را آشکار می‌کنند و بیش از این موجب تعالی معنایی آن هم می‌شوند. این مناسبات عبارتند از: ۱- بیاناتی ۲- پیرامتنی ۳- فرامتنی ۴- فزون متنی ۵- رابطه متنی متأخر(پیش متن) با متنی متقدم (پس متن) (احمدی، ۳۲۰-۳۲۱).

منظور ژنت از مناسبات پیرامتنی آن است که طرح روی جلد، حروف، صفحه عنوان، نام نویسنده، نام مستعار نویسنده، عنوان متن، صفحه تقدیم نامه، گزین گویه‌هایی که همچون سرلوحه کتاب می‌آیند، پیشگفتار، مقدمه‌ها، پس‌گفتارها، عنوانین فصول، عنوانین فرعی فهرستها، نمایه‌ها، یادداشت‌ها همه در پذیرش متن از سوی خواننده (یا در معنا گرفتن متن) تأثیر دارند

مسئله پیرامتنی را که ژنت مطرح کرده است می‌توان در گزینش نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص) یعنی قرآن و نام سوره‌ها نیز مطرح نمود. لذا نام سوره‌ها می‌تواند حوزه‌ای برای تأویل متن آن باشد. اگر این را هم بپذیریم که بنیاد زبان بر اسم استوار است (آشوری، ۱۵) و بدانیم که «اسم» کوتاه شده متن است و اسم هر چیزی مناسبت بین آن و مسمای آن را آشکار می‌نماید و عنوان اجمالی است از تفصیل مطالب متنی» (بقاعی، ۱۸)، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان هر سوره بیانگر مقصود و مراد آن است (همان). یا به این نظر قائل باشیم که رابطه عنوان با متن، رابطه تمرکز معنایی و رمزی است و عنوان، اهمیت مطالب متن را می‌رساند، می‌توان گفت عنوان سوره‌ها به نوعی بیانگر مطالب سوره است. از طرفی گزینش واژگانی خاص در نامگذاری سوره‌ها بنا به عادت عرب بوده است که «در بسیاری از نامگذاری‌ها، نام‌ها را از امور نادر و شگفت انتخاب می‌کرد. گاه نام برگرفته از صفتی خاص بود و گاه از یک جمله یا قصیده. این چنین است که نام‌های سوره‌های قرآن کریم مثل سوره بقره است چون ماجراهی گاو بنی اسرائیل در آن آمده است» (زرکشی، ۳۶۸/۱).

از نمونه‌های معنادار می‌توان به سوره «دخان» اشاره کرد. واژه «دخان» تنها یک بار در آیه (فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبين) (دخان/۱۰) آمده است. این آیه در آیات آغازین سوره آمده است و سوره درباره نزول قرآن در شبی مبارک که حکیمانه نازل شده است، و در آن از عذاب دردناک خبر می‌دهد که آسمان در آن روز به صورت دودی آشکار در می‌آید. از مطالب این سوره از تاریخ اقدام گذشته و فرجام کار آنان سخن رفته است و از حقیقت بزرگی سخن می‌گوید که آفرینش آسمان‌ها و زمین، بیهوده نیست: (و ما خلقنا السموات والارض وما بينهما لاعبين) (دخان/۳۸). آیه پایانی سوره چنین است: (فارتقب إنهم مرتقبون) (دخان/۵۹) که همان تهدید بیمناک است که در این جا همان چشم دوختن به دود شدن آسمان است. چنان که ملاحظه می‌شود، نام سوره که رمز روز آخرت و حسابرسی و عذاب است، مرکزیت گفتمان سوره است» (الحاج، ۲۱۵). نکته تأمل برانگیز اینکه واژه «دخان» فقط در دو آیه آمده است: یکی در سوره دخان که بحث آن گذشت و دیگری در سوره «فصلت» در آیه: (ثم استوى إلى السماء و هي دخان فقال لها وللأرض ائتها طوعاً أو كرها قالا أتينا طائعين) (فصلت/۱۱). کلمه «دخان» در اینجا به آغاز آفرینش اشاره دارد. این واژه در سوره «فصلت» نیز با معنای سوره ارتباط دارد. تفصیل در اینجا یعنی تعیین و تمیز و توضیح. به عبارت دیگر

اشاره دارد به اینکه جهان در آغاز به صورت گاز بوده است (دخان) و سپس به مرحله روشن و آشکار رسیده است (تفصیل). این مرحله، مرحله پس از دود است. لذا سوره فصلت که از آفرینش (انتقال از حال گازی به آسمان و زمین) (فصلت ۱۱-۱۲)، تفصیل کتاب (قرآن- تنزیل) با تفصیل آسمان و زمین همگنی دارد. چون تفصیل آفرینش پس از تفصیل کتاب آمده است: (تنزیل من الرحمن الرحيم، کتاب فصلت آیاته قرآن‌آیا عربیا لقوم يعلمنون) (فصلت ۲-۳). جالب است که این سوره در بخش پایانی به موضوع تفصیل می‌پردازد که در آغاز سوره از آن سخن گفته است: (و لَوْ جَعَلْنَا قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فَصْلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَ عَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شَفَاءً...) (فصلت ۴۴).

سخن پایانی اینکه واژه در قرآن نقش کلیدی را ایفا می‌کند که می‌تواند به تنها یی بیانگر جهان‌بینی و جهان نگری صاحب متن باشد. لذا گرینش واژه در قرآن کریم چنان استوار است که می‌تواند به تنها یی ابزار تحلیل گفتمان باشد. علاوه بر این می‌تواند بیانگر آن باشد که متن قرآن در حوزه واژگان نیز اعجاز واژگانی دارد. این اعجاز را این بار در گزینش واژه به عنوان ابزار تحلیل گفتمان می‌توان یاد کرد.

منابع

- آشوری، داریوش، شعر و اندیشه، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، چاپ پنجم، نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- ارکون، محمد، *القرآن، من التفسير الموروث إلى تحليل الخطاب الديني*، ترجمه هاشم صالح، چاپ اول دار الطليعة الطباعة و النشر، بیروت، ۲۰۰۱.
- انیس، ابراهیم، *دلالة الانفاظ*، مکتبة الانجلو المصرية، قاهره، ۱۹۸۰.
- ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ساختمان معنایی مفاهیم دینی اخلاقی در قرآن، ترجمه فریدون بدله ای، چاپ اول، انتشارات فرزان، ۱۳۷۸.
- البقاعی، بدر الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآی و السور، دار الكتاب الاسلامی، قاهره، بی تا.
- پالمر، فرانک، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کوروش صفوي، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۶۶.
- الحاج، عبدالرحمن، *المناهج الحديثة في الدرس القرآني*، الطبعة الاولی، مدارک، بیروت، ۲۰۱۱.

-
- حَلْلِي، عَبْد الرَّحْمَن، «الْمَفَاهِيمُ وَالْمَصْطَلِحَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ، مَقَارِبَةٌ مِنْهُجِيَّةٍ»، مجلَّةُ اسْلَامِيَّةِ الْمَعْرِفَةِ، شَمَارِهِ ٢٠٠٤، ٣٥.
- الخولي، أمين، *مناهج تجليدي*، مجموعه آثار شماره ۱۱، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۵.
- دایان مک دائل، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین نژدی، چاپ اول، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۸.
- زرکشی، بدر الدين، *البحر المحيط في أصول الفقة*، تحقيق عبد القادر العانى و عمر سليمان الاشقر، وزارة الاوقاف، دار الصفو، كويت، ۱۹۹۲.
- شحرور، محمد، *الكتاب والقرآن: قراءة معاصرة*، الطبعة الاولى، دار الأهالى، دمشق، ۱۹۹۰.
- مفتاح، محمد، *المفاهيم معلم* : نحو تأويل واقعى، الدار البيضاء، المركز الثقافى العربى، الطبعة الاولى، بيروت، ۱۹۹۹.
- مفتاح، محمد، *دينامية النص، تنظير وإنجاز*، الطبعة الثانية، الدار البيضاء، المركز الثقافى العربى، بيروت، ۱۹۹۰.
- میلز، سار، گفتمان، ترجمه فتح محمدی، چاپ دوم، نشر هزاره سوم، ۱۳۸۸.
- نصری، عبدالله، راز متن، چاپ اول، مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
- ویگوتسکی، لوسمونوویچ، *تفکر و زبان*، ترجمه بهروز عزید فتری و بایرام صادقی، انتشارات نیما، ۱۳۶۷.
- یورگنسن، ماریان، *فیلیپس، لوئیز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، نشر نی، تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی